

بی هیج افسوسی

به بهانه مرگ آلن دلون



رضا صائمی
خبرنگار گروه فرهنگ

مرگ «آلن دلون» چیزی شبیه به فروریختن بخشی از تاریخ سینما بود. انگار حافظه سینمایی جهان با مرگ او، یکبار شکوه گذشته خود را احضار کرد و به مرور آن نشست. آلن دلون تا به امروز محبوبترین و جذابترین بازیگر فرانسه شناخته شده است. گرچه این محبوبیت فراتر از مرزهای کشورش پا گذاشت و در واقع او را می توان یکی از محبوبترین بازیگران جهان دانست و البته یکی از خوش چهرهترین و خوش تیپترین مردان تاریخ سینما. در ایران اما یک عامل برون متنی هم به مؤلفه های جذابیت های او اضافه می شود و به سیمای جذابش، صدای زیبایی هم می بخشد. در واقع برای ما ایرانی ها این سیمای جذاب با صدای پر جنبه خسرو خسروشاهی، دوبلور نقش او که می خورد تا از او کاراکتری کاریزماتیک بسازد. او متعلق به سینمای کلاسیک بود و این صفت آن را از جبر تاریخی که با سلیقه و نگاه او به هم سینما پیوند داشت؛ به این معنا که او به سینمای مدرن علاقه ای نداشت و از نظر او، سینمای مدرن دارای محتوایی سطحی و درونمایه آن صرفاً تجاری است، نه حرفه ای و وابسته به استعداد بازیگرانش. به نظر او، روش های تولید فیلم به روش قدیم ارزش بیشتری نسبت به دوربین های دیجیتال و جلوه های ویژه امروزی دارند، همچنین این روش های جدید باعث شده که فیلمسازان تمام انرژی خود را روی فیلم نگذارند. اما جالب اینکه او علاقه ای به تماشای فیلم های قدیمی هم نداشت البته دلیلش این بود که بسیاری از همکاران قدیمی او مرده اند و تعداد کمی از همکارانش در قید حیات هستند. زنده شدن خاطرات شیرینش کنار دوستانی که دیگر نیستند، برایش دردناک بود و به همین دلیل می گفت فیلم های قدیمی را نمی بیند.

«آلن دلون» را همچنین باید بخشی از تاریخ فرهنگ و هنر فرانسه دانست که به آن وجهت و اعتبار بخشد. در واقع او یکی از مهمترین نمادهای فرهنگ فرانسه بود. در فرهنگ عامه فرانسه، او هنوز به عنوان یکی از غول های سینمای جهان شناخته می شود؛ حتی به دلیل زیبایی معماگونه و بازی های هیپنوتیزم کننده اش. از او برای تبلیغات تجاری هم استفاده شد. این اعتبار تا حدی است که مکرون، رئیس جمهور فرانسه از نخستین کسانی بود که به مرگ او واکنش نشان داد و گفت: «آقای کلایسن یا روکو، یوزپلنگ یا سامورایی، آلن دلون نقش های افسانه ای ایفا کرد، دنیا را رویایی ساخت و با چهره فراموش نشدنی خود زندگی ما را تکان داد. مایخولیایی، محبوب و رازدار. او چیزی فراتر از یک ستاره بود؛ یک بنای تاریخی فرانسوی.»

آلن دلون با سبک خاص بازی خود که برخی به آن بازیگری تیره می گفتند در حالی که با لقب «صورت فرشته» شناخته می شد، یادآور مجموعه ای از آثار ماندگار است. یکی از ویژگی های مهم و بارز او را باید در شمال مردانه اش جست. در واقع آلن دلون به نوعی نماد مردانگی مدرن و شیک در سینمای فرانسه بود و به ویژه در فیلم هایی مثل «سامورایی» و «آفتاب سوزان».

شهرت آلن دلون گاهی به دلیل زندگی خصوصی و اغلب پر فرازونشیبش بخشنده شد. با این حال همچنان به عنوان یک نماد در محافل هنری باقی ماند و چهره هایی برجسته؛ از سوفیا کاپولا و کونیتین تارتینیو تا مدونا به ادای احترام به او پرداختند. دلون وقتی نخل افتخاری کن را پذیرفت، در حالی که اشک می ریخت، در نگاهش به دوران حرفه ای خود گفت: «وقتی کارم را شروع کردم، می دانستم سخت ترین کار، دوام آوردن است و ۶۲ سال دوام آوردم. اکنون می دانم سخت ترین کار، رفتن است؛ زیرا می دانم این کار را خواهم کرد.» به نظر می رسد که او به مرگ زیاد فکری می کرد و این البته با تقدیر نقش هایی که بازی کرد هم بی ربط نبود. در پایان اغلب فیلم هایی که بازی کرد کشته شد. در واقع آلن دلون همواره یک قهرمان زخمی و خسته بود که اغلب ناکام می شد. گویی در زندگی واقعی هم برای مردن و رفتن بی تابی می کرد چنانکه در همین اواخر گفته بود: «دیگر تاب ماندن در این جهان را ندارم. هنوز غرق در دنیای جوانی ام و این روزهای سالخوردگی باقی مانده را تاب نمی آورم. از دنیای امروز متنفر و بیزارم. همه چیز مصنوعی و تحریف شده است. بدون هیچ دل بستگی و افسوسی این جهان را ترک خواهم کرد. همه چیز آماده است؛ حتی گوری که در معبد در انتظار من است.»

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریاچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زید آبادی
• سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
• دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین)
• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: همپین. • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



عکس: Gettyimages

جهان بدون سامورایی

آلن دلون بازیگر شهیر سینما دیروز در ۸۸ سالگی درگذشت

امانوئل مکرون او را فراتر از یک ستاره و یک بنای باشکوه تاریخی خواند



محمدامین شکاری
منتقد سینما

«تنهایی عمیق یک سامورایی راهیج کس ندارد، مگر ببر جنگل!»؛ جمله ای که در ابتدای «سامورایی» اثر «ژان پیر ملویل» نوشته می شود، بازگویی آغازینی که تجسم کاراکتر «جف کاستلو» در فیلم ملویل و البته دلون در دوران بازیگری اش و چه بسا زندگی شخصی اش بود. صبح یکشنبه ۱۸ آگوست (۲۸ مردادماه) بنا به اعلام خانواده این شمایل افسانه ای سینمای فرانسه، دلون در حالی که اعضای خانواده اش او را احاطه کرده بودند، در ۸۸ سالگی در آرامش درگذشت. امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه در پیامی نوشت: «آلن دلون با نقش هایش دنیا را رویایی کرد و با پیشکش آن چهره فراموش نشدنی، زندگی ما را به لرزه درآورد، دلون فراتر از یک ستاره بود. او یک اثر جاودان و یک بنای باشکوه تاریخی بود.»

آلن دلون نوامبر سال ۱۹۳۵ در بخش سو در حومه پاریس به دنیا آمد. او قبل از اینکه در ۱۴ سالگی در یک قصابی مشغول به کار شود، از چندین مدرسه اخراج شده بود. او مدتی را هم در نیروی دریایی فرانسه خدمت کرد تا اینکه در سال ۱۹۵۶ از آنجا اخراج شد و همین باعث شد تا مسیر دیگری را در زندگی اش انتخاب کند و به سمت بازیگری برود. آلن دلون در آغاز جاده بازیگری مورد توجه «یویدو او سلزینیک» تهیه کننده برجسته هالیوود قرار گرفت. سلزینیک که دلون را در جشنواره کن دیده بود، از او خواست که قراردادی با شرکت فیلمسازی سلزینیک امضاء کند که البته دلون این کار را نکرد و تصمیم گرفت شانس خود را در سینمای فرانسه امتحان کند. اولین بازی آلن دلون در یک نقش کوچک در فیلم «وقتی زنی دخالت می کند»، ساخته سال ۱۹۵۷ «ایو لیگر» بود. در سال ۱۹۵۸ او در مقابل «رومی اشنایدر» در فیلم «کریستین» در نقش یک سرباز ظاهر می شود؛ سربازی که با یک زن اشرافی متأهل به نام «لنا» رابطه ای نامشروع دارد اما وقتی با «کریستین» (با بازی رومی اشنایدر) دختر یک موسیقیدان آشنا می شود، تصمیم می گیرد به آن رابطه پایان دهد. دلون و اشنایدر در پشت صحنه این فیلم یک رابطه عاشقانه واقعی و پرشور را نیز تجربه کردند؛ رابطه ای که با وجود مرگ زودهنگام «رومی اشنایدر»، تا آخرین لحظات بخشی از ذهن و قلب ستاره سینمای فرانسه را به خود اختصاص داده بود. چه کسی می داند شاید سامورایی تنهایی سینما صبح یکشنبه ۱۸ آگوست ۲۰۲۴ در آخرین لحظاتی که روی این کره خاکی حضور داشت به مانند «چارلز فاستر کین» که دورترین خاطره خوش زندگی اش را به یاد آورده بود، او نیز به یاد رومی اشنایدر و آن عشق پرشور پشت صحنه فیلم «کریستین» افتاده باشد.

ستاره های متولد می شود

دلون سال ۱۹۵۹ با کمدی «زنان ضعیف هستند» ساخته «میشل بورون» در ۲۴ سالگی نام خود را بیش از پیش سر زبان ها انداخت و البته چه کسی هست که معترف نباشد آلن دلون با آن زیبایی مسحورکننده اش شایسته نبود وقت زیادی را پشت دروازه های شهرت سپری کند. دلون یکسال بعد با دو پروژه مهم «ظهور بنفش» و «روکو و برادرانش» جای پای خود را در سینمای اروپا محکم کرد. دلون در «ظهور بنفش» که به نوعی اولین نقش جدی و مهم سینمایی اش است در نقش «تام ریپلی»، قاتل بی احساس رمان پانریشیا های اسمیت ظاهر می شود؛ نقشی که بر کل کارنامه زندگی اش سایه افکند. ستاره خوش سیمای فرانسوی که ظهورش با مرگ «ژرار فیلیپ» دیگر بازیگر خوش چهره این کشور همراه بود، نشان داد مسیر دیگری را بر خلاف فیلیپ در انتخاب نقش ها پی می گیرد. دلون در همان سال در «روکو و برادرانش» اثر

در خوشان «لوکینو ویسکونتی» در نقش اصلی فیلم ظاهر شد، روکو سومین برادر از خانواده پاروندی است که سراسر وجودش مهربانی و ایثار برای خانواده است، همین نیم خط نشان می دهد که دلون در ادامه زندگی اش چندان انتخاب هایی شبیه این نقش نداشت و بیشتر مسیر «ظهور بنفش» را طی کرد با این وجود می توان گفت وجه تشابه این فیلم و تمام فیلم های دلون یک چیز است؛ او همیشه تنها بود حتی اگر همچون روکو خودش را وقف عزیزانش می کرد، باز هم تنها بود.

وقتی «رنه کلمان» و «لوکینو ویسکونتی»، دوتا از چهره های تاثیرگذار سینمای اروپا در اولین گام های دلون در دنیای بازیگری به او اعتماد کرده و نقش های اصلی فیلم شان را به او واگذار کردند، واضح بود که دیگر دلون باید منتظر پیشنهادهای درجه یک از فیلمسازان بزرگ سینمای اروپا و حتی آمریکا باشد. سال ۱۹۶۲ آنتونیونی بعد از موفقیت «ماجرای» و «شب» سراغ آلن دلون می رود تا سه گانه خود را با «کسوف» و با حضور این ستاره نوظهور سینما به پایان برساند. «کسوف» درباره دختر جوانی است که رابطه خود را با معشوق قبلی اش به هم می زند و وارد رابطه با یک دلال بورس با بازی دلون می شود و به سبک دیگر کارهای آنتونیونی شاهد رابطه ای هستیم که تحلیل می رود.

واضح بود آلن دلون با آن چهره زیبایی که داشت قطعاً نباید خود را محدود به سینمای هنری می کرد. او در دهه ۶۰ تبدیل به یکی از چهره های کلیدی گیشه سینمای فرانسه نیز شد، دلون سپس تصمیم گرفت در میانه این دهه به آمریکا برود تا آنجا نیز شانس خود را امتحان کند؛ امتحانی که البته موفقیت آمیز نبود و چند پروژه معمولی مانند «فرمان گمشده» «مارک رابسون» و «رولز-رویس زرد» آنتونی اسکویت شاخص ترین دستاوردهایش بود. از جمله فیلم های پر فروش فرانسوی دلون در دهه ۶۰ می توان به «قتباس «لاله سیاه» الکساندر دومای و فیلم «هر شماره ای می تواند برنده باشد» در کنار ژان گابن اشاره کرد.

رفاقت با دایرة المعارف سینما

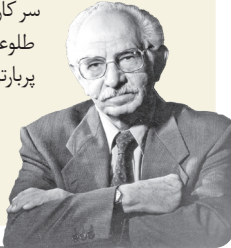
بعد از آزمون و خطا در آمریکا، رفاقت و همکاری آلن دلون با «ژان پیر ملویل»، کسی که دلون او را دایرة المعارف زنده سینما می خواند، باعث شد تا دوره موفقیت دیگری در زندگی این بازیگر اسطوره ای سینمای فرانسه رقم بخورد. دلون بعد از دو همکاری با «ویسکونتی» و «کلمان» و یک همکاری با آنتونیونی، حالا با «سامورایی» ملویل شمایل یکتای خود را در سینمای فرانسه و اروپا تثبیت کرد؛ یک آدمکش مزدور سرد و ساکت تنها با سیروسلوکی منحصر به فرد. «سامورایی» ملویل داستان یک آدمکش خونسرد به نام «جف کاستلو» است که در یک آپارتمان تکان آقا در پاریس زندگی می کند. او در جریان یکی از قتل هایش توسط یک نوازنده پیانو دیده می شود. کاستلو به همراه چند نفر دستگیر اما در نهایت آزاد می شود. جف کاستلو حالا هم از آلن دلون کار فرماهایش و هم پلیس تحت تعقیب فرامی گیرد. ملویل بعدها از آلن دلون شبیه به همین شمایل در دو فیلم مهم دیگر خود یعنی «دایره سرخ» و «پلیس» استفاده کرد. دلون در «دایره سرخ» نقش شخصیتی به نام «کوری» که یک زندانی تازه آزاد شده است را ایفا می کند. کوری که همچون جف کاستلو کم حرف است و صورتی عاری از احساس دارد، بلافاصله بعد از آزادی اش از زندان با همراهی دو حرفه ای سراغ یک سرقت بزرگ از یک جواهر فروشی می رود. فیلم یادآور نوازهای اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ آمریکاست. آلن دلون در «پلیس» سومین همکاری مشترکش با ملویل نیز این بار به سمت دیگر ماجرا یعنی سمت قانون می رود. او در این فیلم نیز در نقش یک پلیس سرد و خاموش ظاهر می شود.

«عقرب» «زورو» «استخر» «بورسالیانو»، «داستان یک پلیس»، «آقای کلان» «بومرنگ»، «دستنه سیسیلی ها»، «تهران ۴۳» و... از دیگر فیلم های شاخص آلن دلون در دنیای سینمای هستند. دلون به عنوان یکی از ثروتمندترین چهره های سینمای اروپا نیز شناخته می شد. او در پایان عمر، ثروتی نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار داشت.

چهره

روزنامه نگار تاریخ نگار

محمود طلوعی در سال ۱۳۰۹ در شهر میانه آذربایجان شرقی به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و دوران دبیرستان را در مدرسه دارالفنون تهران سپری کرد. این پژوهشگر تاریخ، مدرک کارشناسی خود را در رشته ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران گرفت و همزمان با تحصیل، در مطبوعات آن دوره به کار پرداخت. او از روزنامه نگاران با سابقه و از سردبیران تاثیرگذار مجله قدیمی «خواندنی ها» بود. مجله «خواندنی ها»، یکی از قدیمی ترین مجلات ایرانی بود که اولین شماره آن به شکل یک جزوه ساده در سال ۱۳۱۹ از طرف علی اصغر امیرانی منتشر شد و انتشار آن تا یکسال پس از انقلاب ۱۳۵۷ نیز ادامه داشت. مجله «خواندنی ها» که دوره انتشارش نزدیک چهارده دهه ادامه داشت، از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۵ زیر نظر علی اصغر امیرانی، با سردبیری محمود طلوعی منتشر شد. او پس از یک دوره ترک موقت، دوباره همکاری اش را با این مجله از سر کار گرفت و تا آذرماه ۱۳۴۶ به این کار پرداخت. طلوعی از سردبیری اش در «خواندنی ها» به عنوان پربارترین دوره کار مطبوعاتی اش یاد می کرد. محمود طلوعی؛ نویسنده، مورخ و روزنامه نگار با سابقه، ۲۹ مردادماه ۱۳۹۴ بر اثر سانحه تصادف در ۸۵ سالگی درگذشت.



کتابخانه

ساختار داستان در کمدی

استیو کاپلان، متخصص و مدرس کمدی آمریکایی است که هنرمندان بسیاری که موفق به کسب جوایزی معتبر شده اند را آموزش داده است. کتاب «سفر قهرمان کمدی»، وامدار کتاب «قهرمان هزار چهره» جوزف کمبل و کتاب «سفر نویسنده» کریستوفر ووگلر است و الگوی این دو کتاب را در هم می آمیزد. کاپلان توضیح می دهد: «من تصمیم گرفتم عنوان کتاب ووگلر را بدزدم و کتاب خودم را درباره ی ساختار داستان بنویسم، اما آن گونه که در فیلم های کمدی رخ می نماید. در «سفر قهرمان کمدی» نیز پروتاگونست شما تجربه دگرگون کننده ای را پشت سر می گذارد. مراحل آن از این قرار است: ۱- دنیای



سفر قهرمان کمدی
نویسنده:
استیو کاپلان
مترجم:
مهدی کیا
انتشارات: گیلگمش

عادی ۲- چرا همچین شد؟ ۳- واکنش ها ۴- ارتباطها ۵- مسیره های تازه ۶- گسست و ۷- شتاب به سوی پایان. کتاب «سفر قهرمان کمدی: ساختار جدی داستانی برای فیلم های خنده دار» نوشته استیو کاپلان، با ترجمه ی مهدی کیا، در ۲۱۱ صفحه و با قیمت ۲۵۰ هزار تومان توسط انتشارات گیلگمش منتشر شده است.

تاریخ

آتش بس میان ایران و عراق



از ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح روز دوشنبه ۲۹ مردادماه ۱۳۶۷ خورشیدی، به درخواست خاویز پرز دکونیار، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، در تمام طول مرزهای دو کشور ایران و عراق، مقررات آتش بس اجرایی

شد. دبیرکل وقت سازمان ملل در خاتمه جنگ، با انتشار بیانیه ای رسمی از عراق به عنوان «شروع کننده جنگ» نام برد. گزارش دکونیار در روزهای آخر کارش، از سندهای معتبر و قابل استناد درباره متجاوز شناخته شدن ارتش بعث عراق در جنگ تحمیلی محسوب می شود. در خلال جنگ ایران و عراق، هیئت های متعدد صلح از سوی سازمان ملل متحد، سازمان همکاری کشورهای اسلامی (کنفرانس اسلامی)، اتحادیه عرب و جنبش عدم تعهد، برای میانجی گری به تهران و بغداد سفر کردند که غالباً دآوری آن ها به دلیل آنکه از نظر ایران، فاقد اصل بی طرفی و گاهی عاری از عدالت و صداقت بود، به نتیجه ای نرسید. دکونیار پس از اعلام آتش بس، یک گروه ۱۳۰۰ نفره از نظامیان پاسدار صلح سازمان ملل را نیز مأمور نظارت بر آن کرد. این گروه که اصطلاحاً «یونیمگ» خوانده می شد، در آستانه برقراری آتش بس در مرز دو کشور مستقر شده بود.